


Étranger Dans Le Miroir de L'image : Représentation d'image d'Autrui Dans Le Récit de Voyage de *Marc et Pellow* par Mansour Zabetiyan

Mohammad Reza Farsian (Auteur correspondant)¹ 

Professeur du Département de Français, Université Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran

Fatemeh sahebi avval

Master de Littérature Française, Université Ferdowsi de Mashhad, Mashhad, Iran


Résumé

L'imagologie est l'un des outils les plus importants pour reconnaître l'autrui. Nous bénéficions des récits de voyage à représenter l'autrui et sa culture. Les expériences de l'auteur du récit de voyage créent une relation forte entre nous et l'autrui pour le connaître autant que possible. L'image d'autrui a un impact significatif sur l'acte de connaître le moi, ses pensées, ses faiblesses ou ses forces. Pendant cette recherche, le récit de voyage de *Marc va Polo* écrit par Mansour Zabetiyan est examiné du point de vue de l'imagerie, à travers laquelle nous connaissons l'autrui en utilisant l'image présentée par lui, et en connaissant l'autrui, nous atteindrons la connaissance de soi. L'imagologie signifie l'étude de l'image et de la culture d'autrui ou de ses traces dans la littérature. Dans cet article, nous apprenons à connaître les autres personnes reconnues par l'auteur, examinons ses caractéristiques et ses comportements, et étudions la façon dont l'auteur regarde les autres. De plus, en utilisant soigneusement les mots et les stéréotypes spécifiques de l'écrivain voyageur, nous identifierons sa façon remarquable de décrire l'autre et discuterons de l'effet de ses mots sincères sur la description de l'autre. En connaissant les stéréotypes et les images mentales de l'auteur, nous découvrirons ce qu'il veut dire pour diriger l'esprit et la pensée du public.

Mots-clés: littérature comparée, imagologie, *Marc va Polo*, autrui, récit de voyage.

¹. E-mail: farsian@um.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.81323.1077>
<https://orcid.org/0000-0001-6001-7419>

Stranger in The Mirror of The Image: Representation of Another Image in The Travelogue of *Mark and Pellow* by Mansour Zabetiyan

Mohammad Reza Farsian (Corresponding author)¹ 

Professor in French Departement, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Fatemeh Sahebi Avval

Master of French Literature, Ferdowsi University of Mashhad, Mashhad, Iran

Abstract

One of the most important tools for knowing another person is to pay attention to the existing image of him and his definitions and descriptions. Travelogues are very accurate in portraying the other person and his culture, and the experiences of the travelogue writer create a strong relationship between us and the other person, to get to know him as much as possible. Another image from another direction has a significant impact on my knowledge, weaknesses or strengths. In the current research, *Marc va Polo's* travelogue of Mansour Zabetiyan is examined from the perspective of imagery, through which we will know the other by using the image presented by him, and by knowing the other, we will reach self-knowledge and self-knowledge. Imageology means the study of another image and another culture or its signs in literature. In this article, we get to know the author's others, examine his characteristics and behaviors, and study the author's way of looking at others. Also, by carefully using the travel writer's specific words and stereotypes, we will identify his remarkable way of describing another and discuss the effect of his sincere words in describing another. By knowing the stereotypes and mental images of the author, we will find out what he means to direct the audience's mind and thinking.

Keywords: littérature comparée, imagologie, *Marc va Polo*, autrui, récit de voyage.

¹. E-mail: farsian@um.ac.ir

DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.81323.1077>


<https://orcid.org/0000-0001-6001-7419>

نشریه علمی پژوهش‌های زبان و ترجمه فرانسه، دوره پنجم، شماره اول (پیاپی ۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۱

بیگانه در آینده‌ی تصویر: باز‌نمایی تصویر دیگری در سفرنامه مارک و پلو از

منصور ضابطیان

مقاله پژوهشی

محمدرضا فارسین (نویسنده مسئول) ^۱ 

استاد گروه زبان فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

فاطمه صاحبی اول

فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ادبیات فرانسه، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران

چکیده

یکی از مهم‌ترین ابزارها برای شناخت دیگری، توجه به تصویر موجود از وی و تعاریف و توصیفات است. سفرنامه‌ها در به تصویر کشیدن دیگری و فرهنگ وی، بسیار دقیق عمل می‌کنند و تجارب سفرنامه‌نویس رابطه‌ای قوی میان ما و دیگری، برای شناخت هر چه بیشتر او ایجاد می‌نماید. تصویر دیگری از جهتی دیگر، تأثیر به‌سزایی در شناخت من، ضعف‌ها و یا نقاط قوت دارد. در پژوهش حاضر، سفرنامه‌ی مارک و پلو از منصور ضابطیان از منظر تصویرشناسی بررسی می‌شود که از خلال آن، دیگری را با استفاده از تصویر ارائه شده از وی شناخته و نیز با شناخت دیگری، به خودشناسی و من‌شناسی خواهیم‌رسید. تصویرشناسی به معنای مطالعه‌ی تصویر دیگری و فرهنگ دیگری و یا نشانه‌های آن در ادبیات است. در این مقاله با غیرها و دیگری‌های نویسنده آشنا شده، خصوصیات و رفتارهای او را بررسی کرده و نوع نگاه نویسنده به دیگری را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. همچنین با دقت در استفاده از کلمات و کلیشه‌های خاص سفرنامه‌نویس، شیوه‌ی قابل توجه او را برای توصیف دیگری شناسایی کرده و تأثیر کلمات صمیمانه‌ی او را در توصیف دیگری مورد بحث قرار خواهیم‌داد. با شناخت کلیشه‌ها و انگاره‌های ذهنی نویسنده، منظور او را برای جهت دادن به ذهن و تفکر مخاطب، درخواهیم یافت.

کلیدواژه‌ها: ادبیات تطبیقی، تصویرشناسی، مارک و پلو، دیگری، سفرنامه.

^۱. E-mail: farsian@um.ac.ir DOI: <https://doi.org/10.22067/RLTF.2023.81323.1077>
<https://orcid.org/0000-0001-6001-7419>

تاریخ پذیرش: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ بازمینی: ۲۰ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ دریافت: ۰۹ اسفند ۱۴۰۱

۱. مقدمه

همزمان با پیدایش انسان و شروع زندگی جمعی، بشر همواره در تلاش برای برقراری ارتباط با دیگری و بر جای گذاشتن اثری از خود و سبک زندگی‌اش برای آیندگان بود. با گذشت زمان، استفاده از "تصویر" تبدیل به راهی اساسی برای نشان دادن منظور و نیاز هر فرد به دیگری شده و نیز با ماندگاری این تصاویر، نمادها و دیوار نگاره‌ها، تمایل به بقا و جای گذاری اثری کوچک از خود در هر انسان نخستین برطرف می‌شده‌است.

با گذشت زمان و پدیدار گشتن مکان‌های مختلف در سرتاسر زمین، آدمی اغلب با کنجکاری و نیاز به تماشای زیبایی‌های مختلف و آشنایی با مردم گوناگون و متفاوت با خویشتن، دست و پنجه نرم می‌کرده‌است و از آنجا که سفر به تمام نقاط و بازدید از تمامی فرهنگ‌ها و انسان‌های مختلف، به دلیل سختی راه، بازه‌ی طولانی و خطرات گوناگون سفر، بر وی میسر نمی‌شده، به خواندن سفرنامه‌ها و دیگر آثار ارزشمند نویسندگانی روی می‌آورد که زندگی خود را وقف این امر مهم و خطیر می‌نمودند.

اما همچنان، هر فرد برای شناخت دیگری، نیاز به شنیدن و دیدن و قضاوت افراد دیگر دارد. واضح است که تصویر ارائه شده از دیگری، نقش بسیار مهمی در دیدگاه ما نسبت به آن ایفا می‌کند و این نقش نه تنها کمرنگ نشده، بلکه روز به روز، بر اهمیت آن افزوده می‌شود.

ادبیات، چون همیشه، وظیفه‌ی خود را برای کمک به انسان ایفا می‌کند و با ابزار خود باعث بازتاب فرهنگ‌ها و شناخت یکدیگر می‌شود. ادبیات در واقع مانند پلی برای عبور از یک فرهنگ به دیگر فرهنگ‌ها عمل کرده و با روش‌های مختلف، شناخت و ارتباط را میان "من" و "دیگری" برقرار می‌سازد. "من" می‌تواند در ادبیات به عنوان شخصی شناخته شود که در تلاش برای ارتباط، شناخت و معرفی شخصی دیگر است. ادبیات این امکان را در اختیار ما قرار می‌دهد تا با استفاده از نظر، توصیفات، تجربیات و برداشت‌های موجود درباره‌ی یک فرهنگ دیگر، "دیگری" را شناخته و با خصوصیات وی آشنا شویم.

تصویرشناسی به معنای مطالعه‌ی تصویر «دیگری» و «فرهنگ دیگری» و یا ردپا و عناصر آن در ادبیات و هنر است. تصویرشناسی در واقع مکتب و روشی برای بررسی تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک مکتب و دوره در نظر گرفته می‌شود. «هدف تصویر

شناسی، بررسی تصویر فرهنگ خودی در ادبیات دیگری یا فرهنگ دیگری در ادبیات خودی است. در تصویرشناسی، همواره تصویر پردازی بینا فرهنگی مورد نظر است.» (نامور مطلق، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۲)

در ادبیات، تصویرشناسی بیش از هر بخش به ادبیات تطبیقی مرتبط بوده و در این بخش مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد.

«دیگری» و «تصویر دیگری»، همواره یکی از مضامین دلکش و جذاب ادبیات جهانی محسوب می‌شده و از نخستین موضوعاتی است که در تاریخ ادبیات میتوان از آن سراغ گرفت. این «دیگری» در بسیاری از موارد، در آثار اسطوره‌ای و حماسی باستانی به صورت‌های گوناگون و فراخودی یا فروخودی به تصویر کشیده شده‌است. تخیل در مورد «دیگری» و تصویرپردازی از آن، همیشه با مقایسه با خود صورت گرفته و در اغلب این موارد، «خود» محور مقایسه بوده‌است. (نامور مطلق، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۲)

سفرنامه‌ها، یکی از مهم‌ترین آثار ادبی برای معرفی و شناخت دیگری در نظر گرفته می‌شوند. در این پژوهش، برآنیم تا با بهره‌بردن از نظریه‌ی تصویرشناسی، تصویر غرب را در اثر مارک و پلوز منصور ضابطیان، نویسنده و سفرنامه‌نویس معاصر، بررسی کرده و با مطالعه‌ی روش این نویسنده در نشان دادن تصویر چند کشور بیگانه، من‌ها و دیگری‌های بازتاب شده توسط وی را شناخته و در باب قضاوت‌ها و پیش‌داوری‌های این اثر، بحث کنیم. دلیل انتخاب این اثر، قلم بسیار شیوا و روان آن است و هنگام مطالعه‌ی آن، مخاطب احساس راحتی و لذت کرده و با ذهنی باز و به دور از تعارفات و کلمات سنگین، تصاویر تا حدودی واقع‌گرایانه و صمیمی از دیگر فرهنگ‌ها، عادات و مردم دریافت می‌کند.

سفرنامه‌ها نقش مهمی در ادبیات ملل مختلف، درک و دریافت مسائل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی بین دو ملت و به وجود آوردن ارتباط و گفت‌وگو بین خود و دیگری دارند. سفرنامه شامل تمام تجربیاتی است که فرد از سفر خود می‌نویسد و در آن به اتفاقات و پیش‌آمدهای جالب توجه و سرگرم‌کننده اشاره می‌کند. یکی از اصلی‌ترین اهداف نوشتن سفرنامه، ارائه‌ی تصویری درست و دقیق از یک مکان و ارزیابی از یک منطقه بوده و نتیجه‌ی آن باید افزایش درک خواننده از این نقطه روی

کره‌ی زمین را در پی داشته‌باشد. به این صورت فرصت شناخت فرهنگ‌هایی جدید، آداب و رسوم متفاوت، تاریخ و دیگر موارد برای افراد پیش می‌آید.

میان تمام زبان‌هایی که جامعه در خود دارد و به کمک آن‌ها می‌اندیشد، از میان تمامی زبان‌های نمادین، تصویر هم یکی است، زبانی خاص که کاربرد آن بیان ارتباطات قومی، بینا فرهنگی، میان جامعه‌ای که «می‌نگرد» و سخن می‌گوید و جامعه‌ای که «نگریسته می‌شود» است. این تصویر چون تصویری است از دیگری خود می‌شود و فرهنگ [...] و از ورای آن است که جامعه‌ای دیده می‌شود، نوشته می‌شود، اندیشیده می‌شود و خیال‌انگیز می‌شود. (دادور، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴)

در این مقاله، می‌کوشیم نگاه ضابطیان را به دیگری (ها) در سفرش بررسی کرده و نوع نگاه به خود را نیز در مقایسه با دیگری که غیر محسوب می‌شود، مطالعه نماییم. همچنین عوامل تاثیرگذار در ریشه‌های این نوع نگرش را در نظر گرفته و سبک و شیوه و روش نویسنده در بازنمایی آن‌ها را نشان می‌دهیم. در نهایت در خواهیم یافت که منصور ضابطیان در سفرنامه‌ی خویش با یافتن غیر و دیگری، به شناختی نسبی از خود و دیگری و در نهایت شناخت نسبی من نزدیک می‌شود و میزان واقعی بودن این تصویر نیز ثابت خواهد شد.

پرسش‌های تحقیق به شرح زیر می‌باشد:

۱. برای ضابطیان، غیرها و دیگری‌ها چه کسانی هستند و وی آنها را چگونه به تصویر می‌کشد؟
۲. بستر تاریخی، سیاسی و اجتماعی ایران و کشورهای غربی چه تاثیری در نگارش شرح سفر نویسنده دارد؟
۳. کلمات و واژگان به کار برده شده توسط ضابطیان چه تاثیری در نشان دادن تصویر دیگری دارد؟

۲. پیشینه تحقیق

با وجود اینکه تصویرشناسی نظریه‌ای جدید و نوین تلقی می‌شود و تا چندی پیش پژوهش‌ها در این زمینه انگشت شمار و محدود بودند، اما روز به روز بر تعداد مقالات و تحقیقات با این مضمون افزوده شده و پژوهشگران بیشتری علاقه‌ی خود را در این باره نشان می‌دهند.

از میان این آثار، در سال ۱۳۹۹، ناهید حجازی در مقاله‌ای با عنوان «تصویر شناسی در سفرنامه‌ی عبدالله مستوفی به روسیه»، در چند بخش، تصویر غیرها و دیگری‌های مستوفی را نشان داده و با به

تصویر کشیدن بازتاب واقع‌گرایانه‌ی این سفرنامه از روسیه، ساختار زبانی، توصیف‌ها و کلیشه‌ها، انگاره‌های ذهنی و قضاوت‌های مستوفی را بررسی می‌نماید. در حوزه‌ی کاربردی، المیرا دادور (۱۳۸۹) در مقاله‌ی «تصویر یک شهر غربی در آثار سه نویسنده‌ی ایرانی»،

تصویر ارائه شده از شهر پاریس را واکاوی کرده‌است. این مقاله به حضور شهر پاریس از بعد تصویرشناسی در آثار سه نویسنده‌ی ایرانی، گلی ترقی و رضا قاسمی و رضا قیصریه، می‌پردازد تا مشترکات میان نگاه این نویسندگان و نزدیکی یا دوری آن با نگاه انگاره‌آفرین نویسندگان فرانسوی زبان نمایان گردد.

در مقاله‌ای دیگر با نام «تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی: شناخت خود از نگاه دیگری»، در سال ۱۴۰۰ حمیده لطفی نیا، با ارائه‌ی تعریفی از تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی، سابقه‌ی این نظریه را در ایران و فرانسه بررسی کرده‌است و به بیان انواع آن می‌پردازد.

همچنین صابره سیاوشی (۱۳۹۱) و حسین حسن رضائی (۱۳۹۹)، به ترتیب در دو اثر «تصویرشناسی سیمای شرق و غرب در شعر شوقی و بهار» و «تصویرشناسی دیگران در اشعار میرزاده عشقی»، کوشیده‌اند ابتدا با تصویرشناسی دو جهان شرق و غرب در شعر شوقی و بهار، به تطبیق این رویکرد به عنوان یکی از رهیافت‌های فکری عصر حاضر پرداخته و به تعریف سبک و طرح دیدگاه‌های صاحب نظران در باب سبک شعر میرزاده عشقی اشاره شده؛ سپس با تکیه بر کلیات مصور عشقی، اشعار او از نظر زبانی و ساختاری (صرفی و نحوی) مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است.

در پژوهشی با عنوان «تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن بطوطه»، احسان قبول و دیگران (۱۳۹۷)، انواع تصاویر زنان را در این سفرنامه شناسایی و طبقه‌بندی کرده و بر این اساس، نخست تصویر زنان پنج قوم ترک، مغول، ایران، چین و هند از سه منظر اوصاف ظاهری و آداب پوشش، ازدواج و حضور در فعالیت‌های اجتماعی دسته‌بندی و تحلیل شده‌اند و پس از آن نگرش ارزش‌گذارانه ابن بطوطه به هر تصویر بررسی شده‌است.

محمد رضا فارسیان و فاطمه قاسمی آریان (۱۳۹۷)، در مقاله‌ی خود با نام «بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی»، با تکیه بر رهیافت «تصویرشناسی» و به روش توصیفی-تحلیلی، می‌کوشند تا به این پرسش پاسخ دهند که هانری رنه دالمانی در روایت

خود چه تصاویری از مشهد را برای خواننده بازنمایی کرده و ذهنیت سیاح چه تأثیری در نحوه انتقال آن‌ها داشته‌است.

در مقاله‌ی «تصویر شناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان نحسی در میقات از جلال آل احمد»، عبدالله ابوغیث (۱۳۹۴) با هدف واکاوی سفرنامه‌ی آل احمد و استخراج تصاویر ارائه شده از من و دیگری، من‌ها و دیگری‌های متنوع اثر را یافته و از طریق تصویر دیگری، تصویر من را برجسته می‌نماید.

محمدرضا حاجی آقابابایی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل تصویر دیگری در داستان سفر بزرگ امینه اثر گلی ترقی»، ضمن اشاره به اهمیت تصویرشناسی در روابط انسانی تصویری، اهمیت مکان‌های نشان داده‌شده در داستان را به تصویر می‌کشد؛ انواع تصویر باز و بسته را بررسی کرده، توصیفات ظاهری و رفتاری را نیز مورد تحلیل قرار می‌دهد.

لذا سفرنامه جایگاه بسیار ارشمنندی در پژوهش‌های تصویرشناسانه دارد که با توجه به عدم وجود تحقیق یا پژوهشی در آثار منصور ضابطیان، لزوم این پژوهش مورد تاکید قرار می‌گیرد.

۳. چهارچوب نظری:

۳،۱ مارک و پلو، خاطرات و سفرنامه‌های منصور ضابطیان

منصور ضابطیان، متولد سال ۱۳۴۹، روزنامه‌نگار، کارگردان، مجری رادیو و تلویزیون، پادکست‌ساز، نویسنده و تهیه کننده‌ی ایرانی است. وی کار حرفه‌ای را با روزنامه‌نگاری شروع کرد و مدتی گزارش‌های مختلف خود را برای مجلاتی چون حیات‌نو، چلچراغ، گزارش فیلم و کلک می‌نوشت. ضابطیان، آثار متنوع و زیادی نگاشته که اغلب آنها سفرنامه، عکس‌ها و خاطرات او در سفر به دور دنیا است.

ضابطیان دو سال پی‌درپی جایزه قلم بلورین بهترین گفت‌وگوی سال و یک سال هم جایزه قلم بلورین بهترین گزارش سال را در جشنواره‌ی مطبوعات کسب کرده‌است.

منصور ضابطیان از نویسندگان معاصر و توانمند ایرانی‌ست که با قلمی روان و صمیمی با خواننده سخن می‌گوید و با مخاطب قرار دادن وی، تاثیر کلام و توصیفات خود را بیشتر کرده و اعتماد وی را کسب می‌کند. طنز لطیف و جملات ساده اما جالب توجه، آثار او را از حالت خشک و غیرقابل انعطاف برخی سفرنامه‌ها خارج ساخته و آن‌ها را برای هر نوع مخاطبی مناسب‌سازی می‌کند.

چنانچه پیش از این اشاره شد، اغلب آثار وی را سفرنامه تشکیل می‌دهد. مارک و پلو، مارک و دو پلو، برگ اضافی، سباستین، چای نعنا، موا، بی زمستان، سه رنگ و استامبولی از جمله سفرنامه‌ها، خاطرات و عکس‌های ضابطیان در سفر به اقصی نقاط دنیا چون کوبا، مراکش، ویتنام، تاجیکستان، آذربایجان، گرجستان، استانبول و ... می‌باشد. مهارت ضابطیان در انتخاب اسم کتاب، مخاطب را تشویق به خواندن کرده و اشاراتی به موضوع کتاب دارد.

مارک و پلو (۱۳۸۸) را می‌توان یکی از بهترین و جامع‌ترین سفرنامه‌های ضابطیان در نظر گرفت. این کتاب شامل خاطرات نویسنده در سفر به فرانسه، اسپانیا، لبنان، هندوستان، ایتالیا، اتریش، ارمنستان، کره جنوبی و آمریکا است. در این اثر، به شیوه‌ای استادانه، نویسنده می‌کوشد تصویری واقعی از کشورهای غربی، فرهنگ، عادات مرسوم مردم، سنت و مدرنیته‌ی حاکم، تاریخ هر منطقه، وضعیت اقتصادی و حتی غذاها و میوه‌های مخصوص هر اقلیم و منطقه ارائه دهد. وی اغلب با زبانی شیرین و گیرا سفر به هر کشور را با دلایل خاص خود ضروری شمرده و مخاطب را، در هر سن و سال و با هر موقعیتی ترغیب به این کار می‌کند.

دلیل انتخاب این اثر، جامعیت نسبی آن در تعدد کشورهای بیگانه، تجربه‌ی نویسنده‌ی زنده در سفرهای خویش در سالهای اخیر و قلم روان و زیبا و تصاویر تقریباً واقعی از دنیای غرب است.

۳,۲ تصویرشناسی

تصویرشناسی نظریه‌ای در ادبیات تطبیقی است که نقش آن بررسی و مطالعه‌ی نظریات و برداشتها و تفکرات یک نویسنده درباره‌ی یک یا چند کشور بیگانه است. همچنین تصویرشناسی درصدد تحلیل تاثیر و بازتاب تصویر این کشورها و فرهنگ‌های بیگانه در اثر ادبی می‌باشد. علاوه بر این، در این نظریه هدف مطالعه‌ی پیش داوری‌ها و قضاوت‌های نویسنده در مواجهه با واقعیت موجود در کشور بیگانه و فرهنگ و مردمان آن می‌باشد.

تصویرشناسی به یکی از حوزه‌های اصلی ادبیات تطبیقی تعلق دارد و هدف آن مطالعه‌ی ارتباط میان نویسندگان و کشورهای بیگانه‌ای است که در آثار نویسنده ذکر شده‌اند. برای بازنمایی تصویر دیگری، وظیفه‌ی نویسنده بیان تمام واقعیت‌های مشاهده شده نیست بلکه وی از میان دیده‌های خود، تعدادی از تصاویر را مطابق پیش داوری‌ها و تصاویر پیشین ذهنی خویش، انتخاب می‌کند. هدف

تصویرشناسی توصیف تصاویر، ارتباطات تاریخی، فرهنگی و اجتماعی میان نویسنده و دیگری بوده که خلاقیت نویسنده را نیز در برمی‌گیرد. (Dādvar, 2011, p. 1)

در تصویرشناسی، منظور و هدف، "دیگری" است. تصویرشناسی یا تصویرسازی به حوزه‌ی ادبیات تطبیقی و هنر تطبیقی اختصاص می‌یابد و امروزه با پیشرفت پژوهش‌های گوناگون، در حال گسترش در ایران و جهان است.

سابقه‌ی تصویر برای بشر به قبل از نوشتار باز می‌گردد؛ آنگاه که تصویر راهی برای برقراری ارتباط با هم‌نوع بود و بشر میکوشید به کمک آن، با دیگری ارتباط برقرار کند و مقصود خود را توضیح دهد. امروزه این تصویر فقط از خلال نقاشی بیانگر مفاهیم به دیگری نیست بلکه توصیف دیگری تصویری از او را منتقل میکند که بیانگر نگاه روایت‌کننده است. از این‌رو، تصویرشناسی می‌تواند در قلمرو پژوهش‌های بین رشته‌ای قرار گیرد و انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تاریخ را نیز علاوه بر ادبیات شامل گردد. (لطفی نیا، ۱۴۰۰، ص. ۱۳۶)

بهمن نامور مطلق در مقاله‌ای ضمن معرفی تاریخچه و بنیان‌گذاران این نظریه، تعریف‌های گوناگون و دقیقی ارائه می‌دهد:

در حقیقت، موضوع تصویرشناسی، مطالعه‌ی تصویر دیگری و به بیان دقیق‌تر، تصویر فرهنگ دیگری و یا عناصر آن در ادبیات و یا هنر است. به عبارت دیگر، تصویرشناسی، دانش و روشی است که در آن، تصویر کشورها و شخصیت‌های بیگانه در آثار یک نویسنده یا یک دوره و مکتب مطالعه می‌شود. (نامور مطلق، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۱-۱۲۲)

طبق این تعریف، تمام آنچه در تصویرشناسی مورد بررسی قرار می‌گیرد، درباره‌ی دیگری، فرهنگ، سبک زندگی، تاریخ و گذشته‌ی او و عادات و روش و رفتار و اخلاق اوست و همه‌ی این شناخت‌ها و بازتاب آن، در آثار یک نویسنده نمودار می‌گردد. «تصویرشناسی مطالعه‌ی بازنمایی‌های بیگانه در ادبیات است.» (Montandon, 1997, p. 252)

از سوی دیگر، تصویرشناسی تنها به بررسی تصویر فرهنگ دیگری دلالت نداشته و نیز این رابطه‌ی دو سویه را ادامه می‌دهد و در تلاش برای نشان‌دادن تصویر فرهنگ خودی در ادبیات دیگری است. به همین خاطر، می‌توان این نظریه را بر پایه‌ی تصویرپردازی بینافرهنگی قرار داد.

پازو^۱، از برجسته‌ترین تصویرشناسان فرانسوی، در تعریف تصویر نوشته است: مفهوم تصویر، در معنای تطبیقی، تعریف یا بهتر بگوییم، یک فرضیه‌ی تحقیقاتی را یادآوری می‌کند که می‌تواند چنین مطرح شود: هر تصویری موجب یک آگاهی هرچند مختصری از یک "من" نسبت به یک "دیگری"، یک "اینجا" نسبت به یک "آنجا" است. (Pageaux, 1994, p. 60)

چنانچه می‌دانیم، در تعریف و تصویرسازی از یک واقعیت، فرهنگ و یا تصویر دیگری، همواره تخیل، پیش‌داوری و نظرات هر نویسنده یا گوینده غیر قابل انکار می‌باشد. «تصویر برآمده از متن ادبی را نمی‌توان با تصویر اجتماعی یکی دانست؛ زیرا این تصویر برگرفته از عنصر تخیل است و غالب بودن تخیل بر متن ادبی موجب می‌شود تا این گونه تصاویر را توهمات ذاتی نویسنده بدانیم.» (نانکت، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۷)

با این فرض، همواره تصاویر تحت تاثیر نظرات و پیش‌داوری‌های هر نویسنده قرار می‌گیرد. این فرض دقیقاً مطابق نظر پازو است که می‌گوید: «تصویر دیگری دقیقاً مطابق ایدئولوژی خواننده است که در متن به صورت ضمنی و گاهی نیز صریح به آن ارجاع داده می‌شود.» (Pageaux, 1995, p. 148) به بیانی دیگر، تصاویر دیگری مطلقاً تحت تاثیر نظرات نویسنده و پیش‌داوری‌های او نیستند و کم و بیش از جامعه و و بافت آن شکل و جهت می‌گیرند.

تصویرپردازی انواع مختلف و گوناگونی را شامل می‌شود اما شاید بتوان آن را در دو دسته‌ی اساسی تقسیم کرد؛ اول تصاویری که نتیجه‌ی ارتباط و مشاهده‌ی مستقیم خود نویسنده هستند و دوم تصاویری که بر اساس تصاویر دیگر شکل گرفته‌اند. لازم است توجه کنیم در فرایند بازنمایی و تصویرسازی همواره چیزی به واقعیت افزوده یا از آن کاسته می‌شود و نقش نویسنده یا سفرنامه‌نویس در این فرایند برجسته است.

شورل^۲، نظریه‌پردازی دیگر در حوزه‌ی تصویرشناسی نیز شناخت دیگری و فرهنگ آن را برای شناخت خود ضروری می‌داند. وی تصویرشناسی را شاخه‌ای از ادبیات تطبیقی می‌داند که «به تخیل

¹ Pageaux

² Chevrel

فرهنگی به خصوص بازنمایی بیگانه مربوط می‌شود که در مرکز آثار ادبی قرار گرفته است.» (Chevrel, 2009, p.2)

مجموعاً تصویرشناسی با قرار دادن فاصله‌ای میان خود و دیگری، تصویر و فرنگ خود در ادبیات دیگری یا تصویر و فرهنگ دیگری در ادبیات خود را بررسی می‌کند.

۴. بحث و بررسی

۴،۱ من، غیرها و دیگری‌های ضابطیان

همانطور که اشاره شد، مفهوم خود و شناخت خود جز با شناخت دیگری و درک تفاوت موجود میان مفهوم غیر و دیگری میسر نیست. «رژیس پوله، ایو کلاوارون و برنارد دیترله، محققان ادبیات تطبیقی در تصویرشناسی، بین غیر و دیگری تفاوت قائل شده‌اند. غیر همان دیگری درون فرهنگی است. دیگری‌ای است در میان دیگری‌های خودی؛ درحالی که دیگری همان خود برون فرهنگی است.» (حجازی، ۱۳۹۹، ص. ۷۶) به بیانی دیگر، نانکت تعریف خود را نیز ارائه می‌دهد. «Alter همان دیگری است در یک زوج دوتایی مانند alter, ego [منِ دیگر]؛ در حالی که alius غیر است در میان دیگری‌های بسیار دیگر.» (نانکت، ۱۳۹۰، ص. ۱۰۴)

با ایجاد فاصله میان خود با غیر و دیگری می‌توان موارد مورد نظر را مقایسه نمود و این مقایسه باعث تشخیص و قضاوت خواهد شد. این قضاوت باعث نگاه برتر، مساوی یا پایین‌تر می‌گردد. هویت ما ابتدا از دیگری دارای حد و مرز و فاصله است و پس از این دوری، امکان وجود اشتراک و شناخت پدید می‌آید. پاژو برای شناخت هویت و موجودیت خود، ما را به شناخت جایگاه اجتماعی و تصویر به دست آمده از دیگری دعوت می‌کند: «هر ادبیاتی که پایه‌هایش بر هویت خویشتن استوار است، ولو جایی که تخیل تجلی پیدا می‌کند، برای شکل‌گیری و بیان این خویشتن، تصاویری از دیگری یا دیگران آمدوشد خواهند داشت: جست‌وجو گر خود تبدیل به موضوع جست‌وجو می‌شود.» (Pageaux, 1994, p. 73)

غیرها و دیگری‌های ضابطیان کسانی هستند که در طول سفر خویش با آنها مواجه می‌شود و گرچه گاه‌ها ملیت آنها به کشور میزبان ارتباطی ندارد، اما تصویر اروپا را ماهرانه و واضح به نمایش می‌گذارند. شناخت این دیگری‌ها به ضابطیان برای توصیف دقیق و معرفی تصویر مورد نظر کمک به سزایی می‌کند. همچنین در برخی موارد نگاه و نظر ضابطیان (آنچه پیش از این تصور می‌کرده یا پیش

داوری‌ها و شناخت‌های قبلی) در این معرفی بی تاثیر نیست. (نگاه ایدئولوژیک و انگاره‌های ذهنی سفرنامه نویس حتی گاه در انتخاب مسیر سفرهای وی نیز تاثیر گذار بوده است.) (علوی زاده، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۹)

سفر ضابطیان به فرانسه به زعم خود او سرشار از شگفتی و لذت است. پاریس برای او شهری پیشرفته و غنی از ادبیات و فرهنگ و سواد بوده و مردم هرگز وقت خود را جز برای پیشرفت و مطالعه صرف نمی‌کنند.

فضای پاریس هیچ بهانه‌ای برای مطالعه نکردن باقی نمی‌گذارد. شاید برای همین است که پارسی‌ها معنای انتظار را چندان درک نمی‌کنند. [...] تعداد کتابفروشی‌ها و عظمتشان برای من که نخستین بار بود به پاریس می‌رفتم، تنها حیرت‌انگیز نبود، رشک برانگیز بود. (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۲۱)

فضایی که ضابطیان در آن رشد پیدا کرده و تربیت شده، با اینکه غنی از فرهنگ و ادب بوده و مهد تاریخ ارزشمند و دانشمندان است اما اغلب چنین تصاویری از مردم خود به نمایش نمی‌گذارد. تفاوتی که ضابطیان حس کرده و به تصویر می‌کشد، منجر به شناخت بیش از پیش فرهنگ و عادات حال حاضر مردم ایران می‌شود. با پیشرفت تکنولوژی و افزایش استفاده از تلفن همراه، تقریباً تمام جمعیت جوان در ایران، از کتابخوانی روی گردان شده و عمده‌ی وقت آزاد خود را صرف استفاده از تلفن همراه یا یارانه می‌کنند. برای نویسنده، مشاهده‌ی کتابخوانی در کشور فرانسه همراه با حسرت است و وی سعی دارد با صحبت از این دیده‌ها، مخاطب ایرانی خود را ترغیب کرده و احساس نیاز را در وی ایجاد نماید.

همچنین در قسمتی دیگر، در پی مراجعه به موزه‌ی لوور، با اشاره‌ی صریح نویسنده، مخاطب به دزدیده‌شدن فرهنگ و میراث تاریخی ایرانیان توسط کشور فرانسه پی می‌برد. روشن است که این سرقت به مذاق هیچ ایرانی و وطن‌پرستی خوش نمی‌آید اما نویسنده با زیرکی دلیل منطقی خود، این احساس مخاطب را به گونه‌ای مثبت تغییر می‌دهد؛ زیرا وی معتقد است که این میراث در فرانسه تحت حمایت و مراقبت بیشتری قرار خواهد گرفت.

مسئول موزه مرا به بخش ایران راهنمایی می‌کند و رهایم می‌کند میان یک شگفتی بی‌انتها. تعداد آثار ایرانی موجود در موزه چندان زیاد است و اندازه‌ی بعضی از آنها چنان عظیم است که حیرت می‌کنم چطور اینهمه اثر را از ایران به اینجا آورده‌اند. [...] حرصم حسابی در می‌آید، اما کمی که می‌گذرد و

تعداد فراوان بازدید بازدیدکنندگان را میبینم و بچه مدرسه‌ای‌هایی که مرتب از مریشان‌شان درباره‌ی جایی به اسم ایران می‌پرسند، حالم بهتر می‌شود. دردناک است که آدم از دزدیده‌شدن دارایی‌اش خوشحال شود، اما یک لحظه می‌گویم اگر اینها همچنان پیش ما بود، آیا تا این حد مراقبش بودیم و آیا مردم جهان می‌توانستند از این گنجینه استفاده کنند؟ (همان، ص. ۲۵)

تنها با یک جمله، نویسنده به اوضاع نابسامان کشور خود در اداره و نگهداری میراث فرهنگی و ملی اشاره کرده و همچنین یادآور می‌شود که صنعت گردشگری در ایران نیز با ضعف‌های شدیدی روبه‌رو است. کاهش روز افزون ورود توریست‌ها به ایران، عدم بازسازی و نگهداری از بناهای تاریخی، تخریب ساختمان‌های قدیمی و کهن و همچنین، عدم تبلیغات مناسب و معرفی مکان‌های دیدنی، نویسنده را به سمت حسرت درباره‌ی بی‌توجهی به میراث تاریخی گرانب‌های کشور خود می‌کشاند. «من با آشکار نمودن خود بر غیر و از طریق شخص او و با کمک اوست که به خودآگاهی دست می‌یابم و خودم می‌شوم.» (تودوروف، ۱۳۷۷، ص. ۱۸۳)

بخش دوم کتاب، ماجرای سفر نویسنده به اسپانیا را روایت کرده و از خلال آن، نویسنده پس از برخورد با یک ایرانی که سرپرست هتل‌ی در رامبلا است، درمی‌یابد که در طول سه سال این اولین برخورد سرپرست با یک ایرانی اصیل است. این موضوع باعث می‌شود با اشاره به اهمیت سفر و آشنایی با سرزمین‌های مختلف که مورد علاقه‌ی اکثر جوانان اروپایی است، شناختی از وضعیت سفر و اقتصاد مردم و نیز تلاش ایرانیان برای کشف و ماجراجویی در اختیار مخاطب قرار گیرد.

او می‌گفت تا حالا هیچکس از ایران به اینجا نیامده. دلیلش هم مشخص است. جوان‌های ایرانی یا اهل سفر نیستند یا اگر هم باشند، گرفتن ویزای اروپا برایشان مشکل است و از آن گذشته، حس ماجراجویی و کشف جاهای ناآشنا در آنها کمتر است. [...] اما فراموش نکنیم که ما بیش از جوانان دیگر نقاط دنیا درگیر تجملات هستیم. برای یک جوان استرالیایی یا ژاپنی یا انگلیسی، رفتن به سفر مهم‌تر از داشتن موبایل است. (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۴۷)

طبق تجربیات و با در نظر گرفتن روند افزایش بی‌سابقه ارز در ایران، در سالهای اخیر توان هر شخص برای سفر به یک کشور خارجی، روز به روز کاهش یافته است.

افزایش سه تا شش برابری عوارض خروج از کشور، در سال ۹۷ که با جهش نرخ ارز و قیمت بلیت هواپیما همزمان شد، شوکی را به سفرهای خارجی وارد کرد. تا پیش از آن آمار سفرهای خارجی

ایرانی‌ها حدود ۱۱ میلیون نفر بود اما در سال ۱۳۹۷ این آمار به حدود ۷ میلیون نفر رسید. گزارش‌های انجمن‌های صنفی شرکت‌های هواپیمایی و آژانس‌های مسافرتی نیز نشان می‌داد که حجم سفرهای هوایی ایرانی‌ها به خارج از کشور در آن سال تا ۵۰ درصد ریزش پیدا کرد. (خبرگزاری ایسنا)

ضابطیان با نگارش این بخش از سفر خود به این نکته‌ی نگران‌کننده تاکید دارد که شرایط سفرهای توریستی و خارجی برای ایرانیان سخت‌تر از گذشته شده‌است و نیز نقدی بر تجمل‌گرایی جوانان ارائه می‌دهد.

در قسمت سوم، ضابطیان گزارشی از سفر بعدی خود به لبنان تهیه کرده و همان ابتدا دلیل این سفر را بازسازی این کشور پس از سالها جنگ، هم‌اندیشی و همکاری ملی فرقه‌های مختلف مذهبی که در گذشته اختلافات زیادی داشته‌اند و اکنون در تلاش برای پیشرفت کشور خود تلاش می‌کنند، بیان می‌کند. «متن وقتی از نویسنده‌اش (تولید کننده‌اش) و همچنین از نت نویسنده‌اش (تولید کننده‌اش) و از شرایط عینی تولیدش (و در نتیجه از مرجع مورد نظر) جدا شود، در خلأ گسترده‌ی بالقوه‌ی بی پایان تفسیرها به اصطلاح شناور می‌شود.» (اکو، ۱۳۹۷، ص. ۴۶) ضابطیان پیش زمینه‌ای ملال آور از اختلافات قومی و مذهبی ایران در ذهن و اندیشه‌ی خود می‌پرورد و این دیدگاه باعث می‌شود جنبه‌ی مخالف این موضوع را در کشور لبنان برای وی، برجسته نماید. در ایران، سالهاست که مشکلاتی مذهبی و قومیتی در کردستان و خوزستان اتفاق می‌افتد و هنوز راه چاره‌ای برای یکپارچه‌سازی و برطرف ساختن مشکلات مردم اندیشیده نشده‌است.

در قسمتی نیز توصیف کوتاه نویسنده از سفرش به سوریه، نشان می‌دهد که با مشاهده و تجربه‌ی شرایط بهداشتی و مکان‌های عمومی روسیه، وی تحت تاثیر فرهنگ و آداب و رسوم کشور خود و بهداشت و پیشرفت آن قرار دارد. سوریه کشور تمیزی نیست. همه جا پر از خاکروبه و آشغال است. مغازه‌های شیک‌ی ندارد و به نظر نمی‌رسد مردمش در رفاه باشند. هتلی که برای یک شب در آن اقامت کردم و راهنمای تور می‌گفت یکی از بهترین هتل‌های دمشق است، چیزی بود در حد مسافر خانه‌های ناصر خسروی خودمان! (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۶۴)

این قسمت از کتاب به صورت نامحسوسی به دنبال نمایش قدرت است و نویسنده می‌خواهد در زمینه‌ی بهداشت و افزایش تعداد هتل‌های مدرن و مجهز برای توریست‌ها و مهمانان در تمام نقاط ایران، امکانات مثال زدنی کشور خود را به رخ بکشد. دیدگاه تاینسن در این مورد قابل توجه است:»

تمامی انسان‌ها و تاریخ‌نگاران نیز در زمان و مکان مشخص زندگی می‌کنند و دیدگاه آن‌ها درباره‌ی رویدادهای جاری و گذشته هر دو، به طرق خودآگاه و ناخودآگاه بی‌شماری تحت تاثیر تجربه‌ی شخصی آن‌ها در فرهنگشان است.» (تایسن، ۱۳۸۷، ص. ۴۹۹) وقتی ضابطیان از "مسافرخانه‌های ناصر خسرو" صحبت می‌کند، در واقع دیده‌ها و تجربیات شخصی خود را در مسیر تعریف و توصیف دیگری به کار می‌برد.

هنگام سفر به هندوستان، ضابطیان اقرار می‌کند که پیشینه‌ی فکری خود، قضاوت‌ها و پیش داوری‌ها و تجربیات دیگران تا حدودی بر تصمیم وی برای سفر به این کشور و توصیف و تعریف از آن تاثیر می‌گذارد.

سفر به هند از پی تصمیم‌های مکرر برای رفتن صورت گرفت. هر بار که کار می‌رفت تمام شود، یا اتفاقی می‌افتاد یا تعریف‌های مسافر تازه برگشته مرا از سفر به هند منصرف می‌کرد. از یک سو شگفتی‌های نهفته در هند مرا به خود جلب می‌کرد و از سوی دیگر نگرانی از بابت شلوغی و کثیفی شهرها چنان عمیق بود که من آسان‌گیر را هم با تردید مواجه می‌ساخت. (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۷۹) سفر نویسنده به ارمنستان با توصیفات متفاوت روبه‌روست. وی از خلال سفرنامه‌ی خود با به تصویر کشیدن فقر، کوچک بودن شهرها (فرودگاه ایروان را هم اندازه با فرودگاه یکی از شهرستان‌های ایران قرار داده)، شرایط سخت معیشتی و زندگی کارگری مردم، شرایط اجتماعی و اقتصادی این کشور را بررسی کرده و با شرایط کشور خود مقایسه می‌کند. اما نکته‌ی حائز اهمیت اینست که ضابطیان در این شرایط، سبک زندگی اجتماعی مردم ارمنستان را قابل ستایش می‌داند زیرا حتی در این شرایط، مردم با شادمانی و روحیه‌ای مساعد به زندگی خود می‌پردازند. «...اما سرخوش‌اند، خوشحال‌اند، لبخند می‌زنند، خوش اخلاق‌اند، [...] آنها سرخوش‌اند و مگر گوهر خوشبختی چیزی غیر سرخوشی است؟ آنها در عین فقر، شکوه زندگی را حفظ کرده‌اند.» (همان، ص. ۱۲۱) با ایجاد فاصله‌ای نامحسوس اما گویا برای مخاطب، میان «من» و «دیگری»، شرایط اجتماعی و اقتصادی دو کشور را مقایسه کرده و خاطر نشان می‌کند که مردم ایران در شرایط مشابه موفق نبوده‌اند تا احساس رضایت و خوشبختی را به این شکل و سیاق تجربه کنند. ایران همواره، از گذشته تا به امروز، درگیر مشکلات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی بوده است. مردم ایران با وجود اتحادی قابل ستایش به نظر می‌رسد (با

توجه به ایهام و کنایه‌ی ضابطیان) هیچگاه نتوانسته‌اند آنطور که باید، احساس شادی و رضایت داشته باشند.

فصل بعدی صرف توضیحات و تجربیات نویسنده در جریان سفر به کره‌ی جنوبی می‌شود. در این گزارش نیز با وجود هزینه‌های سنگین، عدم توانایی در خرید منزل برای جوانان و در نتیجه، عدم امکان ازدواج، اما فرهنگ و سبک زندگی آنها مورد ستایش راوی قرار می‌گیرد.

سئول شهر سختی است. بزرگ و پر از بزرگراه‌های مختلف. بزرگراه‌ها روی هم پیچ می‌خورند و پیچ می‌خورند. اگر از این سر شهر بخواهی به آن سر شهر بروی، کم‌کم یک ساعت و نیم طول می‌کشد و تازه ترافیک هم پدرت را در می‌آورد. نیمی از وقت سفر به ترافیک گذشت. اما ترافیک بدون اعصاب خردی و درگیری. (همان، ص. ۱۳۲)

ضابطیان با تعریف رفتار و برخورد مردمان کشور کره، در شرایط سخت، یادآوری کنایه‌واری در خصوص وضعیت ترافیکی ایران و برخورد مردم کشور خویش دارد.

۴.۲ حالت خوانش دیگری در مارک و پلوی منصور ضابطیان

آدمی همواره نگاهی طبقه‌بندی شده و همراه با قضاوت دارد که در بسیاری اوقات ناخودآگاه با این نگاه خود، فراتری یا فروتری دیگری را نشان می‌دهد. «آنچه نگاه ما به دیگران و محیط‌های اجتماعی را جهت‌دار می‌کند، معمولاً از بافت زمینه‌ی ذهنی و مقایسه‌ی شرایط پیش‌رو با محیط خردتر مثل محیط خانوادگی یا محیط کلان‌تر مانند جامعه‌ی خود برمی‌خیزد.» (حجازی، ۱۳۹۹، ص. ۸۰)

دیگری بر اساس نظریات نویسنده و پیش فرض‌های موجود به صورت‌های متفاوتی توصیف و تصویرپردازی می‌گردد که می‌توان آن را در سه دسته جای داد:

۱. خوانش منفی: در این نوع خوانش و توصیف، "من" خود را بر "دیگری" برتر می‌داند و همیشه خود را بالاتر از دیگری می‌بیند. «در این خوانش، بیشتر توصیفات من برگرفته از پیش‌داوری‌ها و تصاویری‌ست که پیشینیان از او ارائه کرده‌اند. در این حالت، خود در پی اثبات و القای گفتمان خود است و دیگری را در جایگاه نازل‌تری از خود می‌بیند.» (حاجی آقابابایی، ۱۳۹۷، ص. ۴۰)

۲. خوانش مثبت: در این نوع نگاه و تصویرپردازی، "من" اغلب خود را پایین‌تر و کم‌مایه‌تر از "دیگری" حس میکند و فرهنگ بیگانه بر فرهنگ خود را برتر می‌داند. «فرهنگ بیگانه

به حدی بر من تاثیر می‌گذارد که تصویرسازی از فرهنگ بیگانه موجب ارائه تصویری واقعی‌تر از او می‌شود.» (همان، ص ۴۰)

۳. خوانش برابر: در برخی مواقع نیز، "من" خود را برابر با "دیگری" و در یک سطح و جایگاه می‌بیند. در این نوع نگاه، من سعی دارد بدون قضاوت و پیش‌داوری و غرض‌ورزی، بیگانه را توصیف کرده و تصویرسازی منطقی و آگاهانه‌ای ارائه دهد.

طبق این تفاسیر، در مواردی ما دیگری را در شرایطی برتر از خود یا گاهی در شرایطی پایین‌تر از خود می‌نگریم. نگاه ضابطیان در سفرنامه‌ی مارک و پلو برخی اوقات برتر، برابر و یا پایین‌تر است. در صفحات اول و گزارش سفر به فرانسه، ضابطیان در قسمتی که مربوط به آشنایی او با یکی از ساکنان کلمبیایی مقیم در پاریس است، به فضای کوچک خانه‌های دانشجویی و اجاره‌ای و شرایط سخت زندگی و آسایش اشاره می‌کند. «توی راه دو سه بار از اینکه خانه‌اش کوچک است، عذرخواهی می‌کند. دفعه‌ی آخر می‌پرسم: «لویی مگه خونه‌ی تو چند متره؟» می‌گوید: «هشت متر.»» (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۱۵) گویی با این تعریف و توصیف، ضابطیان می‌خواهد از شرایط بهتر و مناسب‌تر دانشجویان در ایران (حداقل در بحث متراژ محل سکونت) صحبت کند و شرایط کشور خود و در حقیقت «من» را برتر در نظر بگیرد.

اما از آنجایی که انگار نویسنده در نظر دارد تا رسالت خود برای رعایت جانب حق را به جای آورد، در چند صفحه‌ی بعدی از مزایای برنامه ریزی مناسب و رسیدگی درست و عادلانه به نیاز تغذیه‌ی قشرهای فرودست توسط مسئولان کشور فرانسه صحبت می‌کند.

اما یکی از راهکارهای دولت فرانسه برای جلوگیری از این اتفاق^۱، ایجاد فروشگاه‌هایی است که همین جنس‌ها را با بسته‌بندی‌های ارزان قیمت‌تر عرضه می‌کند. در این فروشگاه‌ها که عمدتاً در مناطق کارگری برپا شده، دیگر رنگارنگی فروشگاه‌هایی مثل کارفور را نمی‌شود دید، اما کیفیت آنچه داخل بسته‌بندی هاست، یکسان است. با این روش، سیستم اقتصادی بسیاری از کشورها، اقلام

^۱ منظور جلوگیری از دزدی اقلام خوش آب و رنگ فروشگاه‌های بزرگ توسط اقشار فرودست می‌باشد.

ضروری تغذیه را از زندگی اقشار فرودست جامعه حذف نمی‌کنند، بلکه تجملات را از آن می‌زدایند تا کودکی که پدری فقیر دارد با نخوردن گوشت و شیر دچار سوء تغذیه نشود. (همان، ص. ۲۴)

نکته‌ی حائز اهمیت درباره‌ی کودکان ایرانی و اوضاع تغذیه‌ی آن‌ها این است که اکثراً خانواده‌هایی با بضاعت مالی کمتر، قادر به تهیه‌ی اقلام ضروری نیستند.

تورم به عنوان عاملی که جامعه را به سمت وسوی فقر می‌برد، می‌تواند بر سرعت سوء تغذیه تاثیرگذار باشد، زیرا وقتی تورم ایجاد می‌شود، افزایش سطح درآمدها متناسب با وضعیت تورم نیست، در نتیجه به مرور توزیع فقر در جامعه صورت می‌گیرد. این توزیع فقر برخی از مواد غذایی را از سبد خانوارها علی‌الخصوص قشر کم‌درآمد و ثابت می‌کاهد، چرا که این اقشار در بحث تورم آسیب‌پذیرترین قشر هستند. حذف مواد غذایی از سبد خانوارها منجر به کمبود برخی از ریزمغذی‌ها و همینطور درشت‌مغذی‌هایی همانند پروتئین می‌شود. وقتی گوشت و میوه از سبد خانوارها حذف می‌شود، گوشت به عنوان تامین‌کننده پروتئین، آهن و روی می‌تواند در بدن فرد تاثیر داشته باشد. همچنین حذف میوه و لبنیات از سبد خانوارها می‌تواند منجر به کمبود ویتامین‌ها و مواد معدنی در افراد مخصوصاً کودکان شود. (فدراسیون تشکل‌های صنایع غذایی و کشاورزی ایران)

همچنین سفرنامه‌نویس، در بعضی موارد اخلاق و رفتار، وظیفه‌شناسی و توجه مسئولان هر بخش شهر و کشور دیگری نسبت به مسائل مربوط به مردم و مسافران را مورد تحسین و تعجب قرار می‌دهد. «اگر با یک اسپانیایی سلام و علیک کنید، دیگر رفیق شده اید. به خوبی راهنمایی تان می‌کند و تا وقتی نفهمد که فهمیده اید، دست بر نمی‌دارد.» (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۴۳) با این تفاسیر در حقیقت نویسنده می‌خواهد توجه مخاطب را به ضعف‌های موجود در سیستم پاسخگویی مسئولان ایرانی نسبت به شرایط جلب کند.

در بخشی دیگر، نویسنده تصویری تاسف بار از ایران را که در اذهان دیگری وجود دارد، نشان می‌دهد؛ درحالی که به اشتباه اغلب دیگران ایران را جزئی از عراق می‌دانند و صدام حسین را به عنوان رئیس جمهور می‌شناسند. این نگاه فروتر و پایین‌تر در بخش‌هایی از سفرنامه در نكوهش کم‌لطفی مسئولان نسبت به شناساندن کشور و فرهنگ ما به دیگران، ملموس و واضح است.

چنین برخوردهایی این تئوری را که همیشه گفته‌ایم ایران تاج سر جهان است و همه‌ی دنیا چشم‌شان به ماست و هنر نزد ایرانیان است و بس، کمرنگ می‌کند. ما حتی آنقدر تلاش نکرده‌ایم که به دنیا

بفهمانیم یک کشور عربی نیستیم و هیچ ربطی هم به عراق نداریم و آمریکا به ما حمله نکرده‌است و ... به نظر می‌رسد مردم دنیا با سرزمین‌هایی مثل افغانستان، پامیر یا کامبوج بیشتر آشناوند تا با ایران. ایرانی با هفت هزار سال تمدن و این حرف‌ها... (همان، ص ۵)

۴,۳ کلیشه‌های ذهنی ضابطیان

کلیشه، پیش‌داوری‌ها و انگاره‌های ذهنی سفرنامه‌نویس است که معمولاً پیش از سفر و مشاهدات عینی، وی را به سمت قضاوت سوق می‌دهد. «کلیشه را باید به نوعی عامل انسجام اجتماعی دانست که در جامعه تعمیم پیدا کرده‌است و نوعی تمرین فکر در میان افراد به شمار می‌رود.» (p. 143 - (Herschberg, & Amossy, 2007, 144)

کلیشه‌ها نمایندگانی از طرح‌های فرهنگی هستند که از قبل وجود داشتند؛ این چهارچوب‌ها برای زندگی در جامعه الزامی هستند. کلیشه مفهوم کلیدی در تصویرشناسی است و از طریق معیارهای بیشتری قابل توصیف است. [...] کلیشه‌ها نقش‌های خاصی به همراه متنی که در آن قرار گرفته‌اند، به خود می‌گیرند. آن‌ها به عنوان واکنش‌هایی به عوامل متنی متفاوت اجتماعی، در میان گروه‌های مختلف، استفاده می‌شوند. (محسنی و همکاران، ۱۳۹۴، ص. ۱۳۳)

ضابطیان قطعا پیش از شروع سفر خود، در رابطه با هر کشور اطلاعاتی به دست آورده و خود را آماده نموده‌است. از خلال تعاریف و اشاراتی که در سفرنامه‌ی خود دارد، می‌توان به این اصل پی برد. در بخش سفر به اسپانیا، ضابطیان در جست‌وجوی محل اقامت خود است و از پیگیری‌های خود برای یافتن یک مکان ارزان و مطمئن صحبت می‌کند.

دنبال یک یوآ هاستل (Youth Hostel) هستم که نشانی و عکس‌هایش را در تهران روی اینترنت پیدا کرده‌بودم. یوآ هاستل‌ها، هتل‌های ارزان قیمتی هستند که همه‌جای اروپا می‌توانید پیداایشان کنید. این هتل‌ها مخصوص جوان‌هاست و اتاق‌ها معمولاً از چهار تخته هستند تا بیست تخته، و هرکس می‌تواند یک تخت را اجاره کند. (ضابطیان، ۱۳۸۵، ص. ۴۳)

این اشارات نشان می‌دهد که ضابطیان بدون اطلاع کافی سفر خود را آغاز نکرده، با این حال وی همواره سعی در جلوگیری از پیش‌داوری و قضاوت منفی یا مثبت دارد. در اکثر مواقع نیز نویسنده، در کنار صحبت از انگاره‌های ذهنی خود، درستی یا نادرستی تفکرات خود را نیز به مخاطب نشان خواهد داد.

نشانی هاستل مورد نظرم را پیدا کردم و پله‌ها را دوتا یکی بالا رفتم. به این امید که تا چند دقیقه دیگر در یکی از اتاق‌های شیک‌تری که در اینترنت دیده‌بودم، استراحت می‌کنم. اما جایی که پیش‌رویم بود، اصلاً شباهتی به آن عکس‌ها نداشت. ظاهراً جادوی عکس در خدمت فریب‌دادن آدم‌ها قرار گرفته‌بود. توی ذوقم خورد و از هاستل زدم بیرون. باید می‌رفتم جای دیگری که حداقل حس نکنم سرم کلاه گذاشته‌اند. (همان، ص. ۴۴)

یکی از نکات قابل توجه و استادانه ضابطیان در این سفرنامه، استفاده از پیش‌داوری‌های اشتباه و نادرست در راستای نمایان‌کردن حقیقتی متفاوت است. وی در چندین بخش، مرتباً به قضاوت‌ها و ذهنیت‌های مردم ایران در ارتباط با برخی فرهنگ‌ها در کشورهای دیگر اشاره کرده و خاطر نشان می‌کند که این فرهنگ‌ها نه تنها آسیب رسان نبوده‌اند، بلکه بسیار به پیشرفت آن شهر یا کشور خارجی کمک کرده‌اند. برای مثال، نویسنده در سفر خود به سوریه و لبنان، به وجود و استفاده‌ی گسترده از ماهواره در کشور اسلامی سوریه اشاره می‌کند.

پشت بام همه‌ی خانه‌ها پر است از دیش‌ها و آنتن‌های ماهواره‌ای که آفتاب گرم دمشق را بازمی‌تابانند. از وجود این همه آنتن تعجب می‌کنم و با خود می‌گویم حتماً این تهاجم فرهنگی باعث بروز معضلات فرهنگی زیادی بین جوانان سوری می‌شود. اما ورق زدن روزنامه‌های محلی و صحبت با مردم عادی، خلاف این مسئله را ثابت می‌کند. کاش مسئولان فرهنگی کشور با من همسفر بودند! (همان، ص. ۶۵)

بدیهی‌ست که نویسنده با مطرح کردن این دست پیش‌داوری‌ها و ذهنیت‌های شکل گرفته در میان مردم ایران و مسئولان، سعی در به تصویر کشیدن دیگری با فرهنگی نوین در استفاده از ابزارهای تکنولوژی در خدمت کمک به پیشرفت جوانان کشور، دارد.

بیشترین و قوی‌ترین کلیشه‌های ضابطیان را می‌توان از خلال سفر به ایالات متحده‌ی آمریکا یافت. در این سفر، نویسنده هر لحظه از شنیده‌ها و تفکرات خود در رابطه با فرهنگ و اخلاق و رفتار مردمان این کشور صحبت می‌کند. این تاکید و تمرکز سفرنامه‌نویس بر روی این دیگری، می‌تواند به دلیل مشکلات و مراودات موجود میان دو کشور ایران و آمریکا در طی تمام سال‌های پیش و پس از انقلاب باشد. تاثیر این روابط و مسائل سیاسی موجود، حتی تا آنجا پیش می‌رود که نویسنده حتی

در برخورد با یک آمریکایی، در یک کشور و مکانی جز آمریکا، نیز از ذهنیات و طرز تفکر خود صحبت به میان می‌آورد. وی در سفر خود به اسپانیا، با یک فرد آمریکایی هم‌اتاقی شده‌است. توی اتاق، جورج و جانی، دو رفیق استرالیایی، و پسر آمریکایی هر سه خواب بودند. من هم رفتم روی تخت خودم و چند لحظه‌ای نگذشت که خوابم برد. نمی‌دانم چقدر گذشته‌بود که از صدای خروپف پسر آمریکایی خوابم بهم خورد. کمی نگاهش کردم، ولی هیچ جور نمی‌توانستم ساکتش کنم. اختلافات تاریخی ما انگار در یک اتاق کوچک چهار تخته هم باید خودش را نشان می‌داد. (همان، ص. ۴۴)

در قسمتی دیگر، در حاشیه‌ی بازدید از کشور آمریکا، ضابطیان با بیانی مستقیم و بی‌پرده می‌خواهد بزرگنمایی‌های موجود در رابطه با این کشور را در ذهن مخاطب و مردم ایران از بین برده و واقعیت را همانگونه که هست، به تصویر بکشد.

همه‌ی آنهایی که به واشنگتن می‌آیند، کنجکاوند تا ساختمان کاخ سفید را ببینند. مخصوصاً برای یک ایرانی که می‌داند بسیاری از بلاهایی که سر کشورش آمده از داخل اتاق‌های همین کاخ هدایت شده‌است. [...] ساختمان کاخ اصلاً باشکوه نیست. ساختمانی که بیش از هر جای دیگر نامش در صفحات سیاسی روزنامه‌ها می‌آید، حداکثر در حد یک ویلای خیلی شیک در کلاردشت است! باور کنید! یا مثلاً خانه‌ای بزرگ در قیطره. وقتی آن را با جایی مثل کاخ سعدآباد، نیاوران و گلستان مقایسه می‌کنم، بیشتر از قبل معمولی به نظر می‌رسد. (همان، ص. ۱۴۶)

۴.۴ سبک واژگان و جملات نویسنده در ارائه تصویر

اغلب اوقات، در متن‌ها و نوشته‌های هر نویسنده، گزارشات، توصیفات و تعاریف وی از مکان یا اتفاقی خاص، استفاده از واژگان ویژه، استعاره‌ها، کنایات یا صفت‌های منحصر به فرد می‌تواند منظور خاص نویسنده را بیان کند و نحوه‌ی تفکرات وی را نشان دهد. همچنین سبک نویسنده در خلق هر صحنه یا به رشته‌ی تحریر در آوردن توصیفات مکانی، نقش به‌سزایی در انتقال مفاهیم داشته و بر درک و برداشت مخاطب نیز تاثیر می‌گذارد. ابزار نویسنده و به خصوص سفرنامه‌نویس، برای انتقال آنچه دیده یا تجربه کرده‌است، تنها کلمات هستند و نحوه‌ی به‌کارگیری آن‌ها، از اهمیت بالایی برخوردار است.

ضابطیان در اثر مارک و پلو، با بیانی شیوا، راحت و آسان، سعی در برقراری ارتباطی سریع و نزدیک با مخاطب خود دارد. وی با استفاده از کلمات عامیانه و اصطلاحات روزمره، متن خود را جذاب و خواندنی کرده است. همچنین این نویسنده از هیچ روشی برای بیان طنز ظریف و شوخی‌های ملیح خود، روی گردان نیست. این روش منحصر به فرد، باعث می‌شود مخاطب ناخواسته جذب متن روان و خودمانی این کتاب گشته و تا پایان قدم به قدم همراه نویسنده پیش رفته و خاطرات او را دنبال کند. در جریان توصیف و معرفی، ضابطیان برای به تصویر کشیدن دیگری و نشان دادن ضعف‌های او، از طنز استادانه‌ی خود بهره برده و متن خود را شیرین و برجسته می‌کند. به عنوان مثال، در قسمتی از کتاب، برای صحبت از عدم مهارت یک فرد ژاپنی در استفاده از لوازم برقی پیشرفته، با وجود سکونت در کشور جهان اولی، از طنز مخصوص خود استفاده می‌کند. «باورم نمی‌شد که او نداند ماکروویو چیست. وقتی حامد به او نشان داد که چطور می‌تواند برای پختن اسپاگتی، آب را توی ماکروویو به جوش آورد، چنان هیجان زده شده بود که انسان اولیه زمان کشف آتش آنقدر هیجان‌زده نبود.» (همان، ص. ۴۹)

ضابطیان همچنین در برخی شرایط، با استفاده از اشارات معکوس و کنایه‌آمیز، قصد دارد مخاطب را به چالش بکشد و تصمیم‌گیری و قضاوت را به عهده‌ی خود او بگذارد. در بخش سفر به فرانسه، نویسنده از تاکسی پیاده شده و با صندوق عقب تاکسی که دارای نمایشگر دیجیتال برای سنجش میزان بار هر مسافر است، رو به رو می‌گردد. «اینجا دیگر کجاست؟ توی صندوق عقب تاکسی‌هایشان هم باسکول می‌گذارند که همه چیز حساب و کتاب داشته باشد! عجب جای مزخرفی!» (همان، ص. ۱۳) در نگاه اول شاید جمله منفی به نظر برسد و نارضایتی نویسنده را اعلام کند اما استفاده از علامت تعجب، تصمیم‌گیری در رابطه با درستی یا نادرستی اینگونه نظم و ترتیب‌ها در کوچکترین روابط کاری و اجتماعی را به عهده‌ی مخاطب می‌گذارد.

از دیگر تکنیک‌های نویسنده‌ی کتاب مارک و پلو، استفاده از جملات ناتمام یا استفاده از جملاتی است که ناگهان تمام شده و به گونه‌ای پایان باز دارند و همین ویژگی ذهن مخاطب را به خوبی درگیر معنا و منظور آن می‌سازد. در بخشی از سفرنامه، ضابطیان برای صحبت از حسرت خود در رابطه با نادیده انگاشته شدن روزنامه‌نگاران در ایران و تفاوت آن با لبنان، از این روش کمک می‌گیرد.

وقتی پاسپورتم را برای مهر زدن به افسر مورد نظر دادم و کارت اطلاعاتم را نگاه کرد، شغلم را پرسید و من گفتم روزنامه‌نگارم. او نگاهی به من انداخت و از جای خود بلند شد و رفت فرمانده‌شان را صدا کرد. [...] او محل اقامتم را در لبنان پرسید و گفت خوشحال است که یک روزنامه‌نگار ایرانی برای دیدن لبنان آمده و آرزو کرد آن قدر به من خوش بگذرد که درباره‌ی لبنان خوب بنویسم. بعد هم سلام نظامی داد و پاسپورتم را با احترام داد دستم. دوباره سوار تاکسی شدم، در حالی که هزار و یک افسوس می‌خوردم. نپرسید چرا! (ص ۶۶)

۴. نتیجه‌گیری

سفرنامه‌ی مارک و پلو، تصاویر صریحی از غرب و چند کشور دیگر را به ما نشان می‌دهد. در هر دوره و با توجه به شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و ...، نویسنده و به خصوص سفرنامه‌نویس با تأثیرپذیری از محیط و شرایط موجود، چهارچوب‌های فکری و انگاره‌های ذهنی خاص خود را داشته و طبق آن تصاویر، با اتفاقات برخورد می‌کند و اتفاقات را نشان می‌دهد. ضابطیان با «دیگری» رابطه‌ای نزدیک برقرار کرده و سعی دارد در طی این ارتباط او را فارغ از جنبه‌های نژادپرستانه و یا تفاوت‌های موجود، معرفی کرده و نقطه‌ی ابهامی باقی نگذارد. در این جریان، وی اغلب سعی دارد نگاه فراتر نداشته و اتفاقات را همانگونه که هستند، واقع‌گرایانه و به دور از نژادپرستی یا منفعت‌طلبی، به تصویر بکشد. هرچند در برخی موارد با قلم طنز، ممکن است نکات منفی دیگری را نیز خاطر نشان کند اما به همان اندازه، «من» را نیز واقع‌گرایانه معرفی می‌کند. این نویسنده فرهنگ، سیاست و آداب و رسوم و رفتار «دیگری» را به گونه‌ای جذاب به ما شناسانده و مخاطب را برای شناخت هر چه بیشتر «دیگری» و استفاده از تجارب او، مشتاق می‌سازد. او همچنین کم و کاستی «من» را گوشزد می‌کند و با به تصویر کشیدن نکات مثبت «دیگری»، فرهنگ‌سازی لازم را به اجرا می‌گذارد. در این اثر خواننده با مقایسه بین ایران و چند کشور روبه‌رو و همچنین با اشاراتی واضح، مرزهای مشخصی بین فرهنگ و آداب‌ورسوم این کشورها به مخاطب شناسانده می‌شود. به‌علاوه، ضابطیان با استفاده از کلیشه‌ها و انگاره‌های ذهنی خود، به فکر و قضاوت مخاطب جهت داده و در نهایت واقعیت را برای او نمایان می‌سازد. در کنار این تصویرسازی، برای درک و شناخت هر چه بیشتر تصویرشناسی در آثار ضابطیان، بدیهی است می‌توان به دیگر آثار گسترده‌ی وی در معرفی دیگر کشورها و بیان دیگر خاطرات در سفر به دیگر نقاط دنیا، رجوع کرد.

منابع

- اکو، امبرتو، رورتی، ریچارد، کالر، جاناتان. (۱۳۹۷). *تفسیر و بیش تفسیر*. ترجمه ف. سجودی. تهران: علمی و فرهنگی.
- آلبوغیثش، عبدالله. (۱۳۹۴). *تصویرشناسی دیگری در ادبیات خودی با تکیه بر داستان خسی در میقات از جلال آل احمد. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۱۹، ۲۶-۱.
- تایسن، لیس. (۱۳۸۷). *نظریه‌های نقد ادبی*. ترجمه م. حسین‌زاده و ف. حسینی. تهران: نشر نگاه امروز، نشر حکایت قلم نوین.
- تودوروف، تزوتان. (۱۳۷۷). *منطق گفتگویی میخائیل باختین*. ترجمه د. کریمی. تهران: نشر مرکز.
- حاجی آقابابایی، محمدرضا، صالحی، نرگس. (۱۳۹۷). *تحلیل تصویر دیگری در داستان «سفر بزرگ امینه» اثر گلی ترقی. نقد ادبی*، ۴۱، ۵۶-۳۳.
- حجازی، ناهید. (۱۳۹۹). *تصویرشناسی در سفر عبدالله مستوفی به روسیه. پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۳، ۹۲-۷۰.
- حسن رضایی، حسین. (۱۳۹۹). *تصویرشناسی دیگران در اشعار میرزاده عشقی. نقد ادبی و بلاغت*، ۲، ۶۰-۴۴.
- دادور، المیرا. (۱۳۸۹). *تصویر یک شعر غربی، در آثار سه نویسنده‌ی ایرانی. ادبیات تطبیقی*، ۱، ۱۳۵-۱۱۸.
- سیاوشی، صابره. (۱۳۹۱). *تصویرشناسی سیمای شرق و غرب در شعر شوقی و بهار. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی*، ۸، ۷۶-۵۱.
- علوی‌زاده، فرزانه. (۱۳۹۳). *تصویر ایران و ایرانی در سفرنامه شاردن، تأملی در انگاره‌آفرینی و کلیشه‌ها در ذهنیت سفرنامه‌نویس. جستارهای ادبی*، ۲، ۱۷۰-۱۴۷.
- فارسیان، محمدرضا، قاسمی‌آریان، فاطمه. (۱۳۹۷). *بررسی تصویرشناسانه مشهد در سفرنامه از خراسان تا بختیاری اثر هانری رنه دالمانی. پژوهشنامه خراسان بزرگ*، ۳۳، ۹۵-۸۱.
- قبول، احسان، رادمرد، عبدالله، شریعت پناه، زهرا. (۱۳۹۷). *تصویرشناسی زنان در سفرنامه ابن بطوطه. زن در فرهنگ و هنر*، ۴، ۶۱۲-۵۹۵.

لطفی‌نیا، حمیده (۱۴۰۰). تصویرشناسی در ادبیات تطبیقی: شناخت خود از نگاه دیگری. *مطالعات بین رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی*، ۱، ۱۵۵-۱۳۵.

محسنی، مرتضی، ابوالحسنی، علی، تقوی سیبیه رود کلایی، صدیقه. (۱۳۹۴). تصویرشناسی «بیگانه» در شاهنامه با تکیه بر کلیشه پردازی. *پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۱، ۱۴۷-۱۲۳.

نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۸). درآمدی بر تصویرشناسی؛ معرفی یک روش نقد ادبی و هنری در ادبیات تطبیقی. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۱۲، ۱۳۸-۱۱۹.

نانکت، لاتیشیا. (۱۳۹۰). تصویرشناسی به منزله‌ی خوانش متون نثر معاصر فرانسه و فارسی. ترجمه م. دقیقی. *ادبیات تطبیقی*، ۳، ۱۱۵-۱۰۰.

Chevrel, Yves. (2009). *La littérature comparée*. P.U.F.

Dădvar, Elmira. (2011). *Imagologie*. Téhéran : SAMT.

Montandon, Alain(ed.). (1997). *Mœurs et images; Études d'imagologie européenne*. Clermont-Ferrand: Éditeur Presses universitaires Blaise Pascal.

Pageaux, Daniel-Henri. (1994). *La littérature générale et comparée*. Paris: Armand Colin.

Pageaux, Daniel-Henri. (1995). Recherche sur l'imagologie: de l'Histoire culturelle à la Poétique, *Revista de Filologia Francesa* 8. Madrid: Univ Complutense, 135-160.

حسنلو، سمیه. ۱۴۰۱. «سفر به خارج، هر روز گران تر از دیروز».

<https://www.isna.ir/news/98110100684/%D8%B3%D9%81%D8%B1-%D8%A8%D9%87-%D8%AE%D8%A7%D8%B1%D8%AC-%D9%87%D8%B1-%D8%B1%D9%88%D8%B2-%DA%AF%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%AA%D8%B1-%D8%A7%D8%B2-%D8%AF%DB%8C%D8%B1%D9%88%D8%B2>

. <http://fafitc.ir/32-655/>. «زنگ خطر سوء تعذیه در ایران».